



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۸/۱۲

م، نعیم بارز

## محترم آقای سید هاشم سدید سلام!



نوشته ای: «از من هم بشنوید» شما را شنیدم. در مورد فردوسی که بعضی از نویسندگان ایرانی به طمطراق گفته اند: «فردوسی اگر نبود ما امروز زبان فارسی را نداشتیم» من به این اگر و مگر ها و نخبگان زبان و فرهنگ نمی پردازم زیرا تخصص آن را ندارم اما خوش بختانه از میان خود ایرانی ها یکی هم دوکتور آرامش دوستدار استاد د در یکی از پوهنتون های المان با شناخت تخصصی و علمی راجع به زبان و فرهنگ و فلسفه و کار نخبگان فرهنگ ساز حال و گذشته طی چند اثر تحقیقی ناب: «درخشش های تیره» «امتناع تفکر در فرهنگ دینی» «خویشاوندی پنهان» و «زبان و شبه زبان، فرهنگ و شبه فرهنگ» کار تحقیقی با کیفیت منطقی و علمی بی نظیری انجام داده است.

در زمینه که یاد شد حد اقل من از ایرانی های دیگر و افغان ها به آن سویه چیزی ندیده و نخوانده ام. لذا همین اشاره شما محترم آقای سدید با استدلال منطقی در باره فردوسی و چند نوشته مختصر محترم رفعت حسینی در قسمت شعر و شاعران دری فارسی زبان در سایت «افغان جرمن» چیزی خوب و تازه ای می تواند به حساب آید.

فرهنگ سازان تاریخ گذشته ما که از درخشان ترین دوره ای آن از دوران غزنویان سخن گفته میشود آنچه بوده بیشتر از تعاریف و توصیف و مدیحه سرایی بوده، آنهم بخاطر بدست آوردن زر از حاکمان خوش گذران. در دوره های پس از غزنویان هم آن طوری که به لاف و پتاق از غنای شعیر و ادب و فرهنگ پر فراز و نشیب گفته میشود چیزی دیده نمیشود و در واقعیت چیزی نبوده که ما را از تاریخ خانه هزار ساله و از جهل و فقر بیرون آورده باشد. اینکه از قهرمانی های نظامی و شکست سه امپراطوری قدرتمند جهان با لاف و گزاف گفته میشود باید پرسید که حاصل آن چه بوده حد اقل در زمینه جنگ ها نیز یک اثر در زمینه جنگ های چریکی و تاکتیکی هم به نظر نمی رسد و همین طور یک اثر ادبی فلسفی در مقایسه با

ادب و فلسفه کلاسیک غرب وجود ندارد. از اینجاست که پاکستان مردم ما را زیر نام طالبان علیه مردم و کشور ما استعمال می کند.

از اینجاست که جنایت کار ترین فردی مثل دوستم مفتخر به درجه مارشال می شود و دولت ما خود را مجبور می بیند که هزاران قاتل و جنایت کار را به خواست امریکا بدون مجازات از زندان رها کند. مخدر های بسیار موثر همین اشعار بی کیفیت و آواز خوانی و موسیقی مبتذل است که ما را مسحور و به خواب برده است.

از نظر من اولین گام لازم و موثر در پراندن خواب غفلت از سر ما همین نقد قدماست که ما را با آثار شان حلقه به گوش پرورانده اند. این وظیفه روشنفکران است تا بتوان روشنگری کرد. روشنفکری پایه روشنگری است و روشنگری حاصل آن. هر دو لازم و ملزوم همدیگر اند.

آیا ما به تناسب نیاز جامعه و کمی و کیفی فرهنگ ما و تاریخ اندیشی های لایه در لایه هزار ساله روشنفکر داشته ایم؟ نه زیرا نه به علت کمی بلکه در نبود عزم و بکار نبردن فهم و مهمتر از همه جرات و دلیری می خواهد تا از کاستی ها و روی داد های ناگوار بی هراس سخن گفته شود. خلاصه هیچ روشنفکری نمی تواند روشنگر شود و به قول آرامش دوستدار «هر جامعه ای بدون روشنگری زیستی گیاهی می کند»

آقای سدید گرچه بسیار مختصر ولی با استدلال منطقی و جرات اخلاقی خوب به فردوسی پرداخته اید که اقلاً برای من تازه گی دارد و همین طور کار آقای رفعت حسینی در قسمت شعیر و شاعران فارسی و دری زبان روزنه ای می تواند محسوب شود که پیشگامان و نخبگان گذشته تاریخ ما را چنان در تاریخ خانه هزار ساله نگاه داشته اند که تا کنون هرچه دست پا زده ایم راه بیرون رفت از این تاریکی و سیاه روزی را نیافته ایم و معلوم است چیزی در بساط نداریم و نبوده که ما را در بیرون آمدن از تاریک خانه جهل ممد واقع شده باشد. پس در هر زمینه مثل نوشته «از من هم بشنید» شما نیاز به نوشتن کتاب ها است، آرزومندم باحوصله مندی به کارتان ادامه دهید. پایان

\*\*\*\* \* \* \* \* \*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

محترم آقای سید هاشم سدید سلام!

[barez\\_n\\_mohtaram\\_aghay\\_sadid\\_salam.pdf](#)